



## نقش نظریه‌های توسعه در رفاه بشر محل تردید است

فیلسوف زبان مطرح معاصر معتقد است اینکه نظریه‌های توسعه توانسته باشند به رفاه بشر منجر شوند محل تردید است.

فیلسوف زبان مطرح معاصر معتقد است اینکه نظریه‌های توسعه توانسته باشند به رفاه بشر منجر شوند محل تردید است. سران کشورهای مختلف در سال 2000 میلادی بر سر اهدافی توافق کردند که موسوم به اهداف توسعه هزاره است. این اهداف بایست تا سال 2015 محقق شوند. این اهداف عبارتند از: ریشه‌کنی فقر، تامین آموزش ابتدائی در سطح جهانی، برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش مرگ و میر اطفال، بهبود وضعیت مادران، مبارزه با ایدز؛ مالاریا و سایر بیماری‌ها، تضمین پایداری محیط زیست و مشارکت جهانی برای توسعه.

این سؤال پیش می‌آید که به رغم تلاش‌های گذشته و اهمیت مسئله توسعه نزد کشورها چرا توسعه هنوز محقق نشده است؟ به عبارت دیگر می‌توان اینگونه تصور کرد که نظریه‌های پیشین توسعه چندان در رسیدن به اهداف خود موفق نبوده‌اند. این سؤال مطرح است که عدم موفقیت آنها مربوط به مرحله اجرای آن نظریه‌ها است و یا نه، این عدم موفقیت به لحاظ فقدان نظری آن نظریه‌ها است.

بر اساس گزارش برخی کشورها در اجلاس سال جاری (گزارش بررسی اهداف توسعه هزاره) در سازمان ملل متحد، برخی کشورها هنوز نتوانسته‌اند، حتی پیش از بحران مالی جهانی، تعهدات خود را در مهلت مقرر انجام دهند. توسعه با آغاز انقلاب صنعتی در انگلستان متولد و به تدریج در سرتاسر دنیا گسترده شد. به این ترتیب توسعه با تولید صنعتی و گسترش بازار همراه شد و آزادی، برابری و برادری به مفهوم توسعه پیوستند. در چنین شرایطی نهاد دولت تضمین توسعه در چارچوب دموکراسی را عهده‌دار شد.

در این زمان توسعه مترادف با رشد اقتصادی بود، یعنی روندی که منجر به افزایش درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی شده و باعث بهبود سطح زندگی بهتر برای مردم محروم می‌گردید. اما در عمل ثابت شد که عدم کارایی ساختارهای سیاسی و اجتماعی مانع از توسعه اقتصادی مطلوب خواهد شد.

در اولین دهه توسعه سازمان ملل متحد (1960-70)، جوانب توسعه اقتصادی و اجتماعی از یکدیگر جدا مانده بودند. در دومین دهه توسعه این دو مقوله با یکدیگر تلفیق شدند. دهه سوم توسعه تأکید بر جنبه مشارکت آمیز بودن توسعه مورد توجه قرار گرفت. همانگونه که مشاهده می‌شود تغییر از توسعه دولت محور به توسعه مشارکتی و مردم نهاد در دهه‌های مختلف توسعه دیده می‌شود. صرف به کارگیری اصطلاح مردم نهاد به معنای گذار به توسعه مشارکتی نیست.

دکتر نوآم چامسکی در مورد این موضوع که آیا گذار از توسعه دولت محور به توسعه مردم نهاد را می‌توان نوعی تغییر پارادایمیک در نظریه‌های توسعه تلقی کرد به خبرنگار مهر گفت: خود اصطلاح "مردم نهاد" اصطلاحی است پیچیده و نیاز به مشخص کردن حدود و ثغور آن است.

وی خاطر نشان کرد: بدون مشخص کردن ابعاد و حدود اصطلاح "مردم نهاد" بحث در مورد این تغییر پارادایمیک و این موضوع که توسعه "مردم نهاد" شده است ممکن نیست.

چامسکی افزود: به عبارت دیگر کاربرد اصطلاح "مردم نهاد" به معنای این نیست که توسعه را به این مرحله مربوط کنیم. وی در پاسخ به این سؤال که آیا نظریه‌های توسعه توانسته رفاه بشر را به همراه داشته باشد، گفت: این سؤال است که من هم آنرا مطرح می‌کنم. برای بنده این موضوع که نظریه‌های توسعه توانسته باشد به رفاه بشر منجر شده باشد محل تردید است.